

فن ترجمه

فصل اول
حمیدرضا رهنما

۱۳۹۲

آوند اندیشه

سرشناسه	: ملایی، فاطمه، ۱۳۶۱ ش. -
عنوان و پدیدآور	: فن ترجمه / فاطمه ملایی، حمیدرضا رهنما -
مشخصات نشر	: شیراز؛ آوند اندیشه، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۶۳۱-۵۳-۱
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
موضوع	: زبان انگلیسی - ترجمه به فارسی
موضوع	: فارسی - ترجمه به انگلیسی
موضوع	: ترجمه
شناسه افزوده	: رهنما، حمیدرضا، ۱۳۴۷ ش. -، نویسنده
رده‌بندی کنگره	: ۱۷۶ م ۲ ف / ۱۴۹۸ PE
رده‌بندی دیویی	: ۴۲۱.۰۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۰۱۳۸

فن ترجمه

فاطمه ملایی، حمیدرضا رهنما

چاپ اول / ۱۳۹۲ / ۱۰۰۰ جلد / چاپ: فخر ابر

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۶۳۱-۵۳-۱ / قیمت: ۷۰۰۰ تومان



پخش تهران: نوپردازان ۶-۵۶۴۸۴۷۱۵

پخش شیراز: خوارزمی ۲۳۳۵۲۹۶ / شهر کتاب ۲۳۰۶۹۰۷ پخش کتاب ۶۴۸۰۶۰۹

دفتر شیراز: هدایت غربی، کوچه ۷، پلاک ۲۲۸، تلفن: ۲۳۵۸۴۴۱ / ۰۹۱۷۷۰۰۲۰۷۴

فهرست مطالب

۵	پیش‌گفتار
۷	مقدمه
۱۳	بخش اول: کلیات ترجمه
۶۳	بخش دوم: گروه، بند، جمله
۷۹	بخش سوم: زمان‌ها و وجوه استمراری
۹۳	بخش چهارم: نکاتی درباره ترجمه

پیش‌گفتار

مجموعه حاضر، حاصل چندین سال آموزش تخصصی ترجمه به دانشجویان رشته مترجمی دانشگاه تهران در دیگر زمینه‌های آموزشی است. در این کتاب فنون اولیه ترجمه فارسی به انگلیسی و ترجمه انگلیسی به فارسی آموزش داده می‌شود.

این کتاب، تلاشی است برای آشنا کردن دانشجویان با مشکلات ترجمه و انواع دام‌هایی که در این مسیر قرار دارد. بنابراین از همان ابتدا با تحلیل مقابله‌ای شروع کردیم. زیرا دانشجویان یاد می‌گیرند که ابتدا مفاهیم را از صورت‌های پیچیده زبانی آن جدا سازند و این مفاهیم را همان گونه بیان کنند که بومیان زبان مقصد بیان می‌کنند.

این مجموعه شامل چهار بخش است، بخش اول به کتاب‌های ترجمه پرداخته است که در واقع الفبای ترجمه به حساب می‌آیند. بخش دوم، گرامر، جمله و انواع جمله را شرح داده است. در بخش سوم زمان‌ها و وجوه دستور به تفصیل آمده‌اند و سرانجام بخش چهارم به نکاتی کلیدی در ترجمه می‌پردازد. به عبارتی ما همین همه تلاش خود را کرده‌اند تا هر بخش را به همراه پاره‌ای از نمونه ترجمه آسان‌تر کنند تا مطالب با روشی کاملاً کاربردی و عملی به مخاطبین آموزش داده شوند.

امید است که این مجموعه به عنوان منبعی با نکات کلیدی و اساسی، مترجمین را در امر ترجمه یاری رساند.

فاطمه ملایی، حمیدرضا رهنما

هستند. کسانی که اهل قلم که از عهده ترجمه متون مختلف ادبی، فنی، یا حقوقی بر می آیند، می آیند، آن را آموزش خاصی در این زمینه دیده باشند. بهتر است اینان را شایسته استثنا بدانیم. در قلم ترجمه را باید آموخت و فنون آن را فرا گرفت. مترجم برای احاطه بر ضوابط و قواعد ترجمه و کاربری درست و نسبتاً سریع آن‌ها نیاز بدان دارد که در حیطه‌های گوناگونی چون، زبانشناسی، دستور زبان تقابلی، واژه‌نامه‌شناسی و کتابداری، ادبیات و شاخه‌های مختلف ادبی، دیدی نسبتاً عمیق بدست آورد و به اسلوب‌ها و روش‌های آزموده مجهز گردد. تجربه نشان داده است که حتی دو زبانی‌گری یعنی بر خورداری از دو زبان مادری خود بخود به معنای توانایی در ترجمه نیست. مترجم به ضرورت و پیوسته با یک جفت زبان درگیر است که در واژه و جمله بدون استثنا ساختاری ناهم‌اند و متفاوت دارند و وی بایستی به زبانی آموزش و تمرین، توانایی آن را بیابد که این ساختارهای ناهمگون را از هم جدا نگه دارد و با اکتفا و اعدای فراخور از آمیزش غلط، آن‌ها یعنی از تداخل این ساختارها که عمده‌ترین سبب اشتباه در ترجمه است پیشگیری کند. تداخل ساختارهای دستوری کم و بیش سرچشمه اشتباه در ترجمه هستند.

ترجمه عبارت است از برگرداندن نوشته یا گفته‌ای از زبانی (مبدأ) به زبان دیگر (مقصد). مطلوب‌ترین نوع این انتقال آن است که هیچ بخشی از صورت و معنی از میان نرود، اما متخصصان بر آن اند که این امر امکانپذیر نیست. به عبارت دیگر هیچ

پیامی را بدون دستکاری و حذف و اضافه نمی‌توان از زبانی به زبان دیگر منتقل کرد. این کاهش‌ها یا افزایش‌های اجتناب‌ناپذیر در انتقال پیام می‌تواند در عرصه صغنی یا صورت یا هر دو باشد. یعنی ممکن است مترجمی معنی و محتوا را نسبتاً خوب منتقل کند اما رعایت جنبه صورت را کم‌تر کرده است. به هر حال آنچه در این جا ادیت درود این است که هیچ پیامی به معنای دقیق کلمه بی‌کم و کاست و بدون تغییر هر چند اندک، از صافی ترجمه عبور نمی‌کند. ترجمه واسطه بین زبان‌ها، جوامع و ادبیات است و از طریق ترجمه است که می‌توان بر موانع زبانی و فرهنگی فائق آمد. نثری هم تناظر یک به یک یا معادل کامل بین دو زبان وجود ندارد و ترجمه در واقع همان نثری است که گاه با افزایش یا کاهش نیز همراه است.

بدیهی است که ترجمه بیش از هر چیز استعداد زبانی می‌خواهد. اما استعداد زبانی تنها نمی‌تواند بر آموزش زبان بی‌اثر بماند و مرکز یاد و بدان محدود گردد، بلکه آشنایی با زبان مادری بسیار مهم و تعیین‌کننده است. واقعیت این است که دانشجویان رشته‌های بیگانه اغلب در حیطه زبان مادری خود آگاهی‌های ناقص و ناپیوسته دارند و معلومات آنان از دستور زبان مادری کهنه یا ناآشناست.

دانش زمینه و معلومات عمومی از کشور زبان مبدا و دیگر ضروریات ترجمه به حساب می‌آید. چرا که بدون داشتن این معلومات، در کشور مقیم بسیاری از نکات و اشاره‌هایی که در متن آمده اما شرح کافی نیافته است بر مترجم شمر و گاهی ناممکن خواهد بود و نکته این جاست که هیچ متنی خنالی از این نخبه‌ها و اشاره‌ها نیست. به عنوان مثال کسی که به ترجمه یک متن سیاسی، اقتصادی، مطبوعاتی یا ادبی از یک زبان بیگانه روی می‌آورد اما چیزی درباره مردم آن زبان نمی‌داند و حتی خبری از نظام حکومتی کشور زبان خود ندارد چنین مترجمی در تاریکی گام بر می‌دارد.

مبدا ترجمه

ترجمه - داد - تند - بدیشه و سخن میان زبان‌ها - از جمله فعالیت‌های ضروری بشر است. این که انسان‌ها به ترجمه نیاز دارند و متون ترجمه را به همان شکل بدیهی به کار می‌گیرند که در زبان مادری خود را، امری انکارناپذیر است. کشورها و ملت‌ها روزانه در زوایای گوناگون اجتماعی، دانش و فن، بازرگانی بین‌المللی، مطبوعات، سفر، ادبیات، ارتباطات و... به‌ناگزیر یا دلخواه با متون دیگر زبان‌ها سر و کار دارند. متون علمی، ادبی، آموزشی، یا حتی خصوصی غالباً به زبان مادری نیستند و زبان‌هایی انگاشته می‌شوند که نمی‌دانیم. به ترجمه از آن رو نیاز است که هر کس جز با یک یا دو زبان غیرمادری آن سطحی سطحی یا کاملی ندارد. حتی معلومات گسترده ما از یک زبان بیگانه به معنای دانش معلومات کافی برای درک تمامی متون زبان مربوطه نیست.

ترجمه و تعیین هدف ترجمه به علت گسترده بودن آن امر بسیار دشوار است. ترجمه به هیچ وجه علمی سطحی نیست که هر کس با حداقل دانش زبان از زبان دیگر بتواند آن را انجام دهد.

زبان‌شناسی و ترجمه

مسئله ترجمه و اخذ تغییرات ترجمه‌ای و لغات بیگانه خود زائیده برخورد زبان‌ها با یکدیگر و برخورد زبان‌ها با هم نیز حاصل برخورد فرهنگ‌هاست و این برخورد و

پیوند فرهنگ‌ها با هم از عوامل پیشرفت اجتماعات، علوم و فنون و معارف است و امری است کاملاً طبیعی و ناگزیر. زیرا هیچ زبان و فرهنگی نیست که تحت تاثیر زبان و فرهنگ‌های دیگر قرار نگرفته باشد. حاصل برخورد جریان طبیعی برخورد فرهنگ‌ها و زبان‌ها با هم، ورود لغات زبانی است به زبان دیگر که زبان‌شناسان آن را «انتقال» می‌گویند و دیگر مسئله مهم ترجمه است، بدین سبب زبان‌شناسی جدید برای این دو موضوع اهمیت فراوانی قائل شده است. هر زبانی دارای دو دستگاه هم‌توری است. دستگاه دستوری است. دستگاه لغوی شامل عناصر نامحدود است، از این رو زبان را بسته باز زبان می‌گویند. دستگاه دستوری شامل عناصر محدود زبان از قبیل پیشوندها، پیشوندها، ضمائر، حروف و بعضی صفات و ساختمان‌های نحوی است و این سبب آن را طبقه بسته زبان می‌نامند. ترجمه هم بر دستگاه لغوی زبان فارسی و هم بر دستگاه دستوری آن تأثیر گذاشته است.

اولین خدمت زبان‌شناسی در جهت نشان دادن مبانی علمی ترجمه آشکار کردن تفاوت ساخت صوری و معنایی زبان‌های گوناگون با یکدیگر بود. زبان‌شناسی نه تنها ساخت دار بودن زبان را توضیح داد، بلکه نشان داد ساخت زبان‌ها با یکدیگر همگون نیست. یکی از مباحث زبان‌شناسی که به شناخت قابلیت ترجمه کمک کرد تحلیل تقابلی (contrastive analysis) بود. در روش تحلیل تقابلی دو زبان در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند، سطوح مختلف آوایی، واژگانی و نحوی و به طور کلی ساخت دستوری آن‌ها با یکدیگر مقایسه می‌شود و وجوه اشتراک و تفاوت آن‌ها مشخص می‌گردد. در واقع تحلیل تقابلی زبان‌ها و نتیجه حاصل از آن می‌تواند تطابق ساخت زبان‌ها با یکدیگر نشان داد که یافتن معادل دقیق در بسیاری از موارد بیهوده است، زیرا این کار نه علمی است نه عملی.

موضوع دیگری که از زاویه‌ای دیگر به ترجمه مربوط می‌شود فرضیه ورف بود.

یکی دیگر از مباحث زبان‌شناسی که به‌نحوی بنیادین با ترجمه سر و کار دارد موضوع روساخت و ژرف ساخت و همگانی‌های زبانی است که چامسکی، زبان‌شناس آمریکایی، در نظریه خود درباره آن‌ها بحث می‌کند. چامسکی معتقد است که زبان از دو مرتبه روساخت و ژرف ساخت تشکیل شده است. روساخت آن همین جمله‌هایی است که ما می‌گوییم یا می‌نویسیم، اما ژرف ساخت زبان مرتب‌ای انتزاعی است که با تغییر و تحولاتی که گشتارها بر آن اعمال می‌کنند به مرتبه روساختی می‌رسد. طبق این نظریه تفاوت زبان‌ها با یکدیگر بیش‌تر در مرتبه روساختی آن‌هاست. مرتبه ژرف ساختی زبان‌ها مشترکات زیادی با یکدیگر دارند. منظور از ساختی‌های زبان خصوصیات مشترکی است که در زیر بنای همه زبان‌های بشری نهفته است و از این طریق انتقال مفاهیم از زبانی به زبان دیگر را امکان پذیر می‌کند. به‌طور کلی نظریات چامسکی به مباحث ترجمه توانی تازه بخشید و پایه‌های نظری آن را تقویت کرد.

به‌طور کلی سه عامل تفاوت ساخت زبان‌ها با یکدیگر، فرضیه ورف و موضوع ژرف ساخت و همگانی‌های زبان، سه رکن اساسی بحث‌های مربوط به ترجمه هستند.